

مکاشفه یوحنا باب 9

1 در این وقت، پنجمین فرشته در شیپور خود دمید و من ستاره‌ای را دیدم که به زمین افتاد و کلید «چاه بی‌انتها» به آن ستاره داده شد 2 و با آن کلید، چاه بی‌انتها را گشود و از چاه دودی مانند دود یک کوره بزرگ برخاست و نور خورشید و هوا از دود چاه، تیره و تاریک گشت. 3 آنگاه از آن دود ملخهایی بیرون آمده، زمین را پُر ساختند و به آنان قدرتی مثل قدرت کژدم داده شد 4 و به آنها گفته شد که به علف زمین و گیاهان و درختان کاری نداشته باشند، بلکه فقط به آدمیانی که مُهر خدا را بر خود ندارند، آسیب برسانند. 5 به آنها اجازه داده شد این آدمیان را به مدت پنج ماه معذب سازند و مانند کسانی که از نیش عقرب رنج می‌برند، آنها را عذاب دهند، ولی اجازه کشتن آنها را نداشتند. 6 در آن زمان این مردمان آرزوی مرگ خواهند کرد، اما به آرزوی خود نخواهند رسید. مشتاق مردن خواهند بود، ولی مرگ به سراغ آنها نخواهد آمد.

7 این ملخها مثل اسبان آماده نبرد بودند. بر روی سر آنها چیزهایی شبیه به تاجهای زرین قرار داشت. صورت آنها مانند صورت انسان بود. 8 موهایشان مانند موهای زنها، دندانهایی مثل دندانهای شیر داشتند 9 و سینه‌های آنها را سینه‌پوش‌هایی مانند زره‌های آهنین پوشانیده بود و صدای بالهایشان مانند صدای اسبان و اَرابه‌هایی بود که به میدان جنگ هجوم می‌آورند. 10 آنها مانند عقرب، صاحب دُم‌های نیشداری هستند و قدرت دارند با دُم خود، مردم را به مدت پنج ماه معذب سازند. 11 پادشاه آنها فرشته چاه بی‌انتهاست که نامش به عبرانی «ابدون» و در یونانی «آپولیون» (نابود کننده) می‌باشد.

12 بلای اول به پایان رسید، اما دو بلای دیگر هنوز هست که باید بیاید. 13 آنگاه ششمین فرشته در شیپور خود دمید و من از چهار گوشه قربانگاه زرین که در حضور خدا قرار دارد، صدایی شنیدم 14 که به فرشته ششم که شیپور را به دست داشت می‌گفت: «چهار فرشته‌ای را که در رود بزرگ فرات بسته شده‌اند، آزاد سازد.» 15 پس آن چهار فرشته آزاد شدند تا یک سوم آدمیان را بکشند. آنان برای همین سال و ماه و روز و ساعت آماده شده بودند. 16 من شنیدم که تعداد سواران آنها دویست میلیون نفر بود. 17 در رؤیایی که من دیدم، اسبان و سواران آنها چنین بودند: سواران سینه‌پوش‌هایی به رنگهای سرخ آتشین و آبی و زرد گوگردی بر تن داشتند. اسبان سرهایی مانند سر شیر داشتند و از دهانشان آتش و دود و گوگرد بیرون می‌آمد. 18 این سه بلا یعنی آتش و دود و گوگرد که از دهانشان بیرون می‌آمد، یک سوم آدمیان را کشت. 19 قدرت اسبان در دهان و دُم‌های آنها بود. زیرا دُم‌هایشان به مارهایی شباهت داشت که با سر خود می‌گزیدند و به مردم آزار می‌رسانیدند.

20 بقیه آدمیان که از این بلاها جان سالم به در بردند، از بُتهایی که خود ساخته بودند، دست نکشیدند و از پرستش دیوها و بُتهایی که از طلا و نقره و برنز و سنگ و چوب ساخته شده بودند و قادر به دیدن و شنیدن و راه رفتن نیستند، باز نایستادند 21 و از آدمکشی و جادوگری و زنا و یا دزدی توبه نکردند.